

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

حجیه بی بی رازقی نصرآباد *

محمدجلال عباسی شوازی **

میمنت حسینی چاوشی ***

چکیده

هدف از این مقاله شناخت زمان وقوع تولد اولین فرزند، به یکی از مراحل اساسی در مسیر زندگی والدینی افراد است. داده‌های مورد نیاز برای این مطالعه با رویکردی کیفی و به کارگیری مصاحبه عمیق با ۳۰ زن ازدواج کرده ۴۹-۲۰ ساله ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۱ جمع‌آوری گردید. بر اساس یافته‌های این مطالعه زنان فرزند اول خود را به فاصله‌ای نزدیک به چهار سال پس از ازدواج به دنیا آورده‌اند. بر اساس این مطالعه تأخیر در تولد اولین فرزند در میان زنان جوان بیشتر معمول است و فرزندآوری تاخیری به عنوان هنجاری جدید در بین زنان ازدواج کرده در کوهپورتهای اخیر نمود یافته است. هزینه‌های مالی و هزینه‌ی فرصت ناشی از فرزندآوری، تغییراتی را در رفتارهای باروری زنان موجب شده است. عواملی نظیر مشکلات اقتصادی به ویژه نداشتن خانه و شغل ثابت همسر، هنجارهای اجتماعی مرتبط با سن مناسب ازدواج، اشتغال به تحصیل و تردید همراه با ترس در مورد پایداری ازدواج ناشی از افزایش میزان طلاق در جامعه منجر به فاصله گذاری بین ازدواج تا اولین تولد شده است.

واژگان کلیدی

ازدواج، اولین فرزند، تأخیر، باروری پایین، زنان، تهران.

*- استادیار موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور

hajiieh.razeghi@psri.ac.ir

** - استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق در موسسه سیاست‌های عمومی، دانشگاه

ملی استرالیا mabbasi@ut.ac.ir

*** - محقق در موسسه سیاست‌های عمومی، دانشگاه ملی استرالیا

Meimanat.Hosseini@anu.edu.au

۱- مقدمه و بیان مسئله

تولد اولین فرزند، واقعه‌ای است که اهمیت فردی و اجتماعی زیادی دارد و اهمیتش در همه‌ی جوامع انسانی به رسمیت شناخته شده است. زمان وقوع این مرحله‌ی مهم متأثر از شرایط و عوامل، بیولوژیکی اجتماعی و اقتصادی است و با حوزه‌ها و پدیده‌های جمعیتی و غیر جمعیتی زیادی مرتبط می‌باشد. در مطالعات جمعیتی، زمان تولد اولین فرزند اهمیت زیادی دارد، به گونه‌ای که از تعیین کننده‌های مهم در میزان‌های باروری و اندازه‌ی جمعیت است (Goldstein, 2006: 154).

زمان زیادی از استفاده و دسترسی زنان به وسایل پیشگیری از بارداری نمی‌گذرد. در گذشته، به دلیل بستر اجتماعی فرهنگی که فرزندآوری را تشویق می‌کرد و همچنین عدم دسترسی به وسایل پیشگیری، زنان دخالت کمتری در باروریشان داشتند، در این شرایط فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند نیز کوتاه بود. در حال حاضر زنان برای پیشگیری از بارداری گزینه‌های زیادی دارند، آنها در عین اینکه می‌توانند با به کارگیری وسایل پیشگیری از بارداری‌های ناخواسته جلوگیری کنند، فرزند کمتری نیز دارند. همچنین می‌توانند زمان فرزندآوری خود را به تأخیر انداخته و بعد از ازدواج سال‌هایی بدون فرزند باشند.

در دهه ۱۹۵۰ میلادی انتظار بر این بود که زنان تا پایان دهه‌ی ۲۰ سالگی تعداد فرزندان دلخواه خود را تحقق می‌بخشند و این اعتقاد وجود داشت که سن ۳۰ سالگی برای باروری خیلی دیر است. در حال حاضر، در بسیاری از

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته، اولین تولدها در اواخر دهه‌ی ۲۰ سالگی و اوایل دهه‌ی ۳۰ سالگی رخ می‌دهد (Nomaguchi, 2003: 46).

طی سالهای اخیر، در کشورهای توسعه یافته، الگوی فرزندآوری تأخیری، به عنوان یکی از عوامل اساسی تفاوت کشورها در سطوح باروری شده است (Rindfuss & et al 1988: 118; Billari & et al 2006). در این کشورها که میزان باروری زیر سطح جایگزینی و میزان باروری کل کمتر از ۲/۱ بچه برای هر زن است، میزان باروری تا حد زیادی تحت تأثیر زمان تولد اولین فرزند است، تا تعداد بچه‌هایی که یک زن در طول عمرش خواهد داشت (Nomaguchi, 2003: 44). در واقع تأخیر در فرزندآوری برای درک باروری پایین در اروپا و کشورهای پیشرفته اهمیت یافته است.

طرح این موضوع در ایران از آن جهت مهم است که کشور مانند بسیاری از جوامع در چند دهه‌ی اخیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی چشمگیری را تجربه کرده است. ملازم با این تغییرات، تغییرات مهمی نیز در مسیر زندگی افراد رخ داده است؛ برای مثال، سطح تحصیلات زنان افزایش یافته و نقش زنان در خانواده و جامعه در حال دگرگون شدن است. در بستر خانواده وضعیت زناشویی و الگوی ازدواج به عنوان یکی از عوامل مرتبط با ترکیب و ساخت جمعیت تغییراتی داشته که شامل تحول در شکل و الگوی ازدواج، سن ازدواج، نوع خانواده، میزان‌های ازدواج و طلاق است.

روند تحولات باروری در ایران نشان می‌دهد که میزان باروری کل از ۷ تولد برای هر زن در سال ۱۳۵۸ به ۲/۱ در سال ۱۳۷۹ و حدود

۱/۹ تولد در سال ۱۳۸۵ و ۱/۸ تولد در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است
(Abbasi. Shavazi & et al, 2009 a: 48)

بخشی از کاهش باروری متأثر از به کارگیری وسایل پیشگیری از حاملگی است. عمومیت وسایل پیشگیری از بارداری از ۳۷ درصد در سال ۱۳۵۵ (Aghajanian & Mehryar, 1999: 21-24) به ۷۴/۶ درصد در سال ۱۳۷۹ (طرح سلامت و جمعیت ۱۳۷۹) و ۷۷/۴۲ در سال ۱۳۸۹ (سیمای سلامت و جمعیت، ۱۳۸۹) رسیده است. با پیشرفت وسایل پیشگیری زوجین امروزی می‌توانند در مورد زمان آغاز فرزندآوری، فاصله‌ی بین مولید و پایان باروری نقش مؤثری ایفا کنند. مطالعه‌ی عباسی شوازی و رازقی نصرآباد که به منظور بررسی الگوها و عوامل مؤثر در زمان تولد اولین فرزند و با استفاده از داده‌های طرح سلامت و جمعیت (۱۳۷۹) انجام گرفت، نشان داد تأخیر اندکی در تولد اولین فرزند وجود دارد و زنان با فاصله‌ای حدود ۲/۷ سال فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۹). داده‌های طرح سلامت و جمعیت حکایت از این دارد که در سال ۱۳۸۹ فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند به ۳/۵ سال افزایش یافته است (Hosseini -Chavoshi & et al, 2013).

با توجه به تأثیر فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند در کاهش باروری مقطعی و به نوبه‌ی خود کاهش باروری نسلی (Trussell & Menkm 1978)، مطالعه‌ی زمان تولد اولین فرزند اهمیت می‌یابد. در مطالعات پیشین (عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۹؛ رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۱) تلاش شد تا

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

عوامل مؤثر در فاصله‌ی بین ازدواج و تولد اولین فرزند بررسی شود. این مطالعه با تمرکز بر نگرش زنان نسبت به زمان تولد اولین فرزند و ورود به مرحله‌ی مادری، درک عمیق‌تری از زمان تولد اولین فرزند و فهم دلایل افراد برای تصمیمات باروری ارائه می‌کند. سؤال اساسی مقاله این است که چرا زنان اولین فرزندشان را با تأخیر به دنیا می‌آورند؟ به منظور پاسخ به این سؤال، این مطالعه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از داده‌های کیفی، نگرش زنان نسبت به زمان تولد فرزند را واکاوی و تحلیل کند.

۲- پیشنهادی تحقیق

مطالعات گوناگون به چگونگی تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی در تأخیر تولد اولین فرزند در چارچوب رویکردهای اقتصادی، اشاعه، نهادی و تئوری انتقال دوم جمعیتی توجه کرده‌اند. این نظریات و مطالعات مبتنی بر آنها در مطالعه‌ی دیگری (عباسی شوازی و رازقی نصرآباد، ۱۳۸۹؛ رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۱) آمده است. نظر به اینکه مقاله‌ی حاضر با رویکردی کیفی این واقعه را بررسی کرده است، از ذکر این نظریات خودداری می‌شود.

از آنجا که تأخیر در تولد اولین فرزند پدیده‌ای است که در بستر کاهش باروری رخ داده و یکی از پدیده‌های نو ظهور جمعیتی در ایران است، مطالعات اندکی به این موضوع پرداخته‌اند. در ایران، تعدادی از محققان فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد را بررسی کرده‌اند. عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های طرح انتقال باروری در ایران (۱۳۸۳) به استفاده‌ی زنان از وسایل پیشگیری در قبل از اولین حاملگی در چهار استان

گیلان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و یزد پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد، در ایران به دلیل بستر اجتماعی جامعه که از یک سوازدواج زودرس را تشویق و از سوی دیگر افزایش تحصیلات و استفاده از وسایل پیشگیری را تأیید می‌کند، زنان ازدواج به نسبت زودرسی را تجربه می‌کنند و لیکن برای رسیدن به اهداف خود از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کرده و پدر و مادری را به تأخیر می‌اندازند (Abbasi- Shavazi et al, 2009 b: 6-12).

حسینی چاوشی و همکاران نسبت‌های پیشرفت مولید و پیشرفت از ازدواج به اولین تولد را در فاصله‌ی ۱۰ ساله در هم دوره‌های ازدواجی دهه‌ی ۱۳۶۰ به بعد بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی این محققان نشان داد نسبت زنانی که در یک فاصله‌ی ۱۰ ساله به تولد اولین فرزند رسیدند از ۹۸ درصد در ۱۳۶۰ به ۹۵ درصد در ۱۳۷۸ رسیده است و در اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰ تأخیر کمی در تولد اولین فرزند مشاهده شده است (Hosseini Chavoshi & et al, 2006: 101-718; Ibid, 2007)

راسخ و همکاران در مطالعه‌ای عوامل مؤثر بر فاصله‌ی مولید در شهر اهواز را مورد توجه قرار دادند. نتایج مطالعه‌ی این محققان نشان داد که سن در اولین ازدواج یکی از متغیرهای مهم تأثیرگذار در فاصله‌ی مولید است و زنانی که در سن پایین ازدواج کرده‌اند در فاصله‌ی بیشتری به تولد اولین فرزند رسیدند. همچنین وضعیت شغلی و استفاده از وسایل پیشگیری نیز رابطه‌ی مستقیمی با فاصله‌ی تولد اولین فرزند دارد (راسخ و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۷۴-۵۶۵).

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

عباسی شوازی و رازقی نصرآباد (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای الگوها و عوامل مؤثر در فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد در ایران را با به کارگیری تحلیل بقا و رگرسیون کاکس و استفاده از داده‌های طرح سلامت و جمعیت (۱۳۷۹) به این نتیجه رسیدند که بیش از ۸۵ درصد از زنان تا پنج سال از ازدواج فرزند اول خود را به دنیا می‌آورند. بر مبنای نتایج این مطالعه ازدواج در سنین پایین و تمایل افراد به ادامه‌ی تحصیلات، از تعیین کننده‌های مهم افزایش تأخیر در تولد اولین فرزند می‌باشند.

رازقی نصرآباد و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل چند سطحی عوامل مرثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران» نشان دادند که تفاوت‌های معنی‌داری میان وقوع اولین تولد در فاصله‌ی پنج سال از ازدواج در استان‌های مختلف وجود دارد، لیکن این تفاوت تحت تأثیر عوامل سطح خرد از جمله سطح تحصیلات و سن ازدواج است. بر اساس این مطالعه زنان یا ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند سپس با فاصله‌ی کم از ازدواج، اولین فرزند خود را به دنیا می‌آورند و یا به دلیل ازدواج در سنین پایین، برای اینکه بتوانند به سطوح بالای آموزشی دست بیابند، تولد اولین فرزند خود را به تأخیر می‌اندازند.

در مطالعات فوق با داده‌های کمی و استفاده از تکنیک‌های تحلیل بقا و رگرسیون به تبیین زمان وقوع اولین تولد پرداخته شده است. با این حال تبیین عمیق چگونگی و چرایی انجام کنش‌های افراد، چگونگی تغییر رفتارهای جمعیتی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنها روی سایر جنبه‌های زندگی که

مشخصه‌ی جمعیت‌شناسی مدرن است، از طریق رهیافت‌های کیفی عملی می‌شود (Kertzer 1997: 839). این مطالعه این حقیقت را پذیرفته که وقوع اولین تولد و ورود به مرحله‌ی پدر و مادری، علاوه بر بعد رفتاری، ابعاد مفهومی و نگرشی دارد، که پیوند قوی با بعد رفتاری داشته و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بسیاری از عوامل وجود دارند که یا در داده‌های ثانویه دسترسی به آنها میسر نیست و یا نمی‌توانند در تحلیل‌های کمی اندازه‌گیری شوند. عوامل اندازه‌گیری نشده شامل هنجارهای جامعه، نگرش افراد به سمت اشتغال و کار، نگرش‌های افراد نسبت به توالی وقایع زندگی، زمان تشکیل خانواده و اولین تولد، تأثیر نظام خانواده و تأکید شبکه‌ی بزرگ‌تر به خصوص خانواده، بر این زمان‌بندی می‌باشد. از این رو این مطالعه تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که زنان زمان وقوع اولین تولد را چگونه درک کرده و در بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه آن را چگونه تفسیر و ارزیابی می‌کنند؟

۳- روش پژوهش

مرحله‌ی مادری، مرحله‌ی انتقال وضعیت فردی و اجتماعی است که علاوه بر ارتباط با برخی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، با اعتقادات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، قانون، سیاست و اشکال فرهنگی نیز مرتبط است. بنابراین در انتقال به اولین تولد که با خود نقش پدر و مادری را می‌آفریند، تحلیل فاصله ازدواج تا اولین تولد، بدون در نظر گرفتن دیدگاه زنان، ناتمام باقی می‌ماند.

در این مطالعه در راستای شناخت تصمیم‌گیری افراد در مورد زمان تولد اولین فرزند، یک رویکرد کیفی که ویژگی اکتشافی دارد، مناسب است. روش نمونه‌گیری در این مطالعه، نمونه‌گیری هدفمند^۱ و در دسترس بود. به نظر ماکسول نمونه‌گیری هدفمند، نوعی از نمونه‌گیری است که در آن محیط، اشخاص و وقایع خاصی برای اطلاعات مهمی انتخاب شده‌اند به طوری که آنها می‌توانند این اطلاعات را فراهم کنند و سایر افراد نمی‌توانند (Maxwell, 1997: 87). از آنجا که این مطالعه به روش پدیدار شناختی انجام می‌شود، ضروری است که شرکت‌کنندگان واقعی مورد نظر را تجربه کرده و یا در شرایطی باشند که در معرض این واقعه قرار داشته باشند. در مطالعه‌ی پیش‌رو نیز بر اساس نمونه‌گیری هدفمند ۳۰ نفر از بین زنان ۲۰-۴۹ ساله انتخاب و مصاحبه شدند. همچنین پاسخگویان افرادی هستند که بیش از یک سال از ازدواج آنها گذشته، تولد اول را تجربه کرده و یا در معرض وقوع این پدیده می‌باشند، لیکن به دلایل مختلف به تولد اول نرسیده‌اند. زنانی که هنوز مادر نشده‌اند در حال گذراندن فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد می‌باشند، بنابراین آنها نیز مانند مادران، این موضوع را تجربه می‌کنند. موضوعات بحث شده در مصاحبه‌ی عمیق شامل موارد زیر است:

سن ازدواج زن در تولد اولین فرزند؛

تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده؛

عملکرد فرد در مورد استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری؛

1. purposive sampling

دلایل و انگیزه‌های فرد در مورد زمان تولد اولین فرزند؛
سن مناسب و ایده‌آل برای تولد اولین فرزند و دلایل آن؛
تعداد خواهر و برادر و نقش آنها در تصمیمات باروری و زمان تولد
اولین فرزند؛

هنجارهای خانوادگی و اجتماعی در مورد زمان تولد اولین فرزند.

انتخاب شرکت‌کنندگان نیز بر اساس معیارهای زیر بوده است:

- زنان در سنین باروری باشند؛
- حداقل به مدت دو سال زندگی مشترک خود را آغاز کرده باشند (بر این اساس زانی که در دوره‌ی نامزدی و یا عقد بسر می‌بردند برای این مطالعه مناسب نبودند)؛
- موافقت با مصاحبه و در صورت لزوم ملاقات‌های مکرر؛
- زندگی در شهر تهران (دلیل انتخاب شهر تهران به عنوان میدان نمونه، از یک سو به دلیل سطح باروری این شهر است که زیر سطح جایگزینی می‌باشد و در این شرایط فاصله‌ی بین ازدواج تا تولد اول افزایش می‌یابد و از سوی دیگر به دلیل امکانات دسترسی آسان‌تر و ارتباط بیشتر است).
- شیوه‌ی انتخاب نمونه، نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس بود و پاسخ‌گویان از چندین محیط مختلف انتخاب شدند، که به شرح زیر می‌باشد:
- دانشجویان متأهل دانشگاه تهران؛
- بخش پرستاری بیمارستان شفا یحیائیان در جنوب تهران؛
- مدرسه ابتدایی شهید هوشمند در غرب تهران؛

- زنان خانه‌دار؛

همه‌ی مشارکت کنندگان به صورت تصادفی انتخاب شدند. دانشجویان تمایل داشتند در محوطه‌ی دانشگاه مصاحبه انجام شود. زنان خانه‌دار به همراه برخی از زنان شاغل به دلیل نداشتن وقت در محل کار اجازه دادند به منزل آنها برای مصاحبه مراجعه شود. مصاحبه با افراد تا اشباع نظری ادامه یافت، به طوری که پس از ۲۵ مصاحبه عمیق، مشخص شد که موضوع جدیدی استخراج نشده و موضوعات تکراری می‌شوند. با این حال، برای اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا ۳۰ مورد ادامه یافت.

دسترسی به شناخت بیشتر در مورد تجربه‌ی زیسته افراد، از طریق مصاحبه‌ی عمیق حاصل می‌شود (Osborne; 1994). مصاحبه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات کیفی است. نوع مصاحبه‌های انجام شده در این تحقیق، مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته‌ی عمیق می‌باشد؛ یعنی در حالی که محورهای اصلی پرسش مشخص بوده و از قبل در مورد آن تصمیم‌گیری شده است، گاهی با توجه به مباحث مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، ساختار پرسشنامه مصاحبه را تا حدی رها کرده و اجازه داده می‌شود تا پاسخ‌گویان از تجربه خود سخن بگویند. در ابتدای مصاحبه پس از معرفی خود، هدف تحقیق برای افراد توضیح داده شده است. سپس ملاحظات اخلاقی که در این فرایند رعایت می‌شود برای آنها شرح داده شد. با تمام شرکت‌کنندگان ابتدا تماس حضوری رو در رو برقرار شد. با ۱۰ نفر از پاسخ‌گویان در همان ملاقات اول، مصاحبه انجام

شد و برای سایرین، زمان دیگری برای مصاحبه تعیین گردید. برای زنانی که به مصاحبه دعوت می‌شدند ابتدا محقق خود را معرفی می‌کرد در مورد زمینه‌ی تحصیلی محقق به آنها توضیحاتی داده شد و در نهایت در صورت موافقت و علاقه‌مندی آنها به مشارکت در تحقیق، مصاحبه آغاز می‌شد.

برای رسیدن به پاسخ سؤالاتی که در این بخش دنبال می‌شود، ارتباط مستمری با افراد برقرار شد و تعاملات روزانه‌ای از طریق صحبت و بحث در مورد تجربه‌ی این واقعه به وجود آمد. برای ورود به دنیای ذهنی افراد و همچنین محیطی که آنها در آن قرار داشتند درگیری مستقیم محقق نیاز بود، به گونه‌ای که افراد وارد فرایندی می‌شدند که به شیوه‌ی داستانی، زندگی خود را به طور عمیق روایت می‌کردند. مصاحبه‌ها حول چندین محور شامل بیوگرافی پاسخ‌گویان از زندگی گذشته و زندگی کنونی آنها، تاریخچه‌ی باروری، نیت باروری و رفتارهای باروری می‌چرخید.

برای تحلیل داده‌ها در این تحقیق، از اصول تحقیق پدیدارشناسی استفاده شده است (Osborne, 1994; Van Mane, 1997). داده‌ها در این تحقیق، مشتمل بر مصاحبه‌های ضبط شده و دست‌نوشته‌های شخصی است. اولین گام برای تحلیل این است که عناصر زمینه‌ای - که مخصوص هر فرد است - در یک جدول مشخص شود. عناصر زمینه‌ای شامل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی افراد است. ارائه‌ی این اطلاعات تنوع شرکت‌کنندگان در تحقیق را آشکار می‌کند (May, 1993: 127). مطابق با روشی که آزرین و ون مانن پیشنهاد داده‌اند، گام بعدی اجرای تحلیل درون فردی است. در این روش

برای شناخت موضوعات اصلی، نوشته‌ها برای هر فرد به‌طور جداگانه تحلیل می‌شود. پس از اینکه این مرحله انجام شد، تحلیل میان فردی برای خلاصه موضوعات مشترک یا قابل مقایسه برای همه‌ی شرکت‌کنندگان اجرا خواهد شد. در مرحله‌ی آخر موضوعاتی که کمتر بیان شده است تحلیل می‌شود. در این روش لازم است محقق در مسیر فرایند تحقیق، مکرراً به عقب بازگشته و نظری به کل و جایگاه هر جزء در متن و ارتباطی که با هم دارند، بیاندازد. این حرکت از کل به جزء و دوباره به کل به محقق اجازه می‌دهد تا درک عمیق‌تری از تجربه شرکت‌کنندگان داشته باشد (Van Manen, 1990: 101). تحقیق پدیدارشناسی حاضر از شرکت‌کنندگان دعوت می‌کند که جنبه‌های خاص از بینش خود درباره‌ی موضوع و تجربه‌ی ای از جهان زیسته که در آن زندگی می‌کردند را با جزئیات توضیح دهند.

در تحلیل داده‌ها، ابتدا سه مورد مصاحبه انجام شد و تحلیل گردید و سپس سایر مصاحبه‌ها انجام شد. دلیل این گسیختگی برای شناخت پاسخ‌گویان و کاستی‌های مصاحبه بود. طول مدت انجام مصاحبه، متوسط یک ساعت بود. تمامی مصاحبه‌ها در همان روز مصاحبه به روی کاغذ برگردانده شد تا برخی توضیحات تکمیلی که لازم بود، به متنها اضافه شود. در تمام موارد داستان زندگی افراد به آنها برگردانده شد و از آنها تقاضا شد مروری بر نوشته‌ها داشته باشند و در مواردی که نیاز به تصحیح داشت و یا فهم محقق از مصاحبه متفاوت با هدف و نیت پاسخ‌گو بوده، آن را روشن کنند. این شیوه‌ی تحلیل و جمع‌آوری به منظور برگشت به ماهیت تجربه

زیسته از واقعه مورد مطالعه است که از اصول اساسی تبیین پدیدارشناسی به شیوه‌ای است که ون مانن پیشنهاد داده است (Ibid, 1984: 43). درستی و صحت داده‌ها نیز با ارجاع دست نوشته‌ها به پاسخ‌گویان به دست آمد. کیفیت، مرتبط بودن و اشباع نسبی اطلاعات به دست آمده، تعداد مشارکت کنندگان و زمان مصاحبه با هر پاسخ‌گو را تعیین کرد.

لازم به ذکر است که در مصاحبه‌های انجام شده یافته‌های متعددی به دست آمد، لیکن این مقاله به بخشی از یافته‌های مطالعه که به دلایل پاسخ‌گویان در مورد فاصله‌گذاری بین ازدواج تا تولد اولین فرزند مرتبط است، اختصاص دارد.

۴- یافته‌های پژوهش

در این مطالعه انتخاب نمونه به گونه‌ای بود که افراد با سطوح تحصیلی مختلف، شاغل و غیر شاغل و همچنین از گروه‌های سنی مختلف انتخاب شدند. بر اساس وضعیت شغلی ۱۲ نفر از زنان شاغل، ۱۱ نفر خانه‌دار و هفت نفر دانشجو می‌باشند (جدول شماره ۱). به لحاظ سطح تحصیلات، ۵ نفر متوسطه و پایین‌تر، ۱۰ نفر دیپلمه و پیش‌دانشگاهی، ۱۵ نفر تحصیلات دانشگاهی داشتند. به لحاظ تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده ۸ نفر بدون فرزند، ۷ نفر یک فرزند، ۱۰ نفر ۲ فرزند و ۵ نفر نیز بالای ۳ فرزند به دنیا آورده‌اند. هشت نفر از زنان شرکت کننده سن ازدواج آن‌ها کمتر از ۲۰ سال بوده ۱۴ نفر بین سنین ۲۴-۲۰ سال ازدواج کرده و ۸ نفر نیز در هنگام ازدواج بالای ۲۵ سال بودند.

جدول ۱: مشخصات جمعیتی زنان شرکت کننده در تحقیق

تعداد	مشخصات جمعیتی	
۷	۲۰-۲۴	سن
۸	۲۵-۲۹	
۸	۳۰-۳۴	
۷	۳۵ و بالاتر	
۱۲	شاغل	وضعیت اشتغال
۱۱	خانه‌دار	
۷	دانشجو	
۵	متوسطه و کمتر	سطح تحصیلات
۱۰	دیپلم	
۱۵	دانشگاهی	
۸	۰	تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده
۷	۱	
۱۰	۲	
۵	۳	
۸	۱۵-۱۹	سن ازدواج
۱۴	۲۰-۲۴	
۸	+۲۵	
۳۰	جمع	

در مصاحبه‌ی عمیق با الگوپذیری از شیوه‌ی پدیدارشناسی بر تعریفی که کنشگران از موقعیت خود دارند، تأکید می‌شود. سؤالات پدیدارشناختی که در این مطالعه پرسیده شد، بدین شرح است: چه عواملی تصمیم و رفتار پاسخ‌گویان را برای ورود به مرحله‌ی مادری تحت تأثیر قرار داده است و چرا تولد اولین فرزند را به تاخیر انداخته و چه شرایطی برای داشتن تولد اولین فرزند برای آنها اهمیت دارد؟ در این رابطه چه اقداماتی انجام داده‌اند؟ تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ی عمیق با زنان در خصوص زمان ورود به مادری نشان می‌دهد که تاخیر در تولد اولین فرزند، راهکاری است برای ایجاد تعادل بین اهداف فردی، خانوادگی و سایر حوزه‌های زندگی است. این حاصل دو مضمون است که این مضامین از ۶۰۰ عبارت، جمله یا پاراگراف مضمونی که از مصاحبه‌ها جدا شدند، به دست آمدند. یکی از مضامین، به دلایل فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند اشاره می‌کند که شش درون مایه‌ی فرعی مشتمل بر فرزندآوری تأخیری به عنوان هنجاری جدید، محدودیت منابع مالی، ناسازگاری تحصیل و فرزندآوری، هنجارهای اجتماعی مرتبط با سن مناسب ازدواج، اطمینان از پایداری ازدواج و مادری ایده‌آل دارد و در این مقاله به این مضمون پرداخته می‌شود.

۴-۱- فرزندآوری تأخیری یک هنجار جدید

گسترش تکنولوژی‌های مدرن نظیر انواع رسانه‌های جمعی، تلفن همراه، کامپیوتر و اینترنت باعث شده افراد جوان به شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تری تعلق داشته باشند که ایده‌ها و شیوه‌های زندگی جدید را به سرعت گسترش

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

می‌دهد. یکی از شیوه‌های زندگی که در میان افراد جوان در حال گسترش است زندگی مشترک بدون فرزند در سال‌های اول ازدواج است. به گونه‌ای که آنها این شیوه‌ی زندگی را مدرن و فرزندآوری زودرس را سنتی تلقی می‌کنند. برای نمونه یکی از پاسخ‌گویان که زنی ۲۹ ساله است و هشت ماه از ازدواجش گذشته در مورد علت تأخیر می‌گوید:

«من هنوز دو ساله ازدواج کردم اگر بچه‌دار شوم همه مسخره‌ام می‌کنند، می‌گویند چقدر عجله داشت تمام دوستان من و دخترهای فامیل حداقل سه سال صبر کردند».

در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها وسایل پیشگیری مدرن در انتقال به سمت سن بالاتر در اولین تولد نقش مهمی بازی می‌کند و کنترل موالید رتبه اول، موضوعی است که در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده است. در ایران نیز برنامه‌ریزی برای تولد فرزند اول موضوعی است که در میان زوجین جوان که در دو دهه‌ی اخیر ازدواج کرده‌اند، اهمیت یافته است.

با به کارگیری وسایل پیشگیری، پدیده‌ی تأخیر در تولد اولین فرزند در هم‌دوره‌های ازدواجی اخیر ظهور یافته است و استفاده‌ی مؤثر از وسایل پیشگیری به عنوان یکی از عوامل مهم افزایش فاصله ازدواج تا اولین تولد در دوره‌های اخیر است (Abbasi- Shavazi et al, 2009 b: 6-12). از ۳۰ نفر شرکت کننده در تحقیق ۱۰ نفر که بدون فرزند بودند و ۱۲ نفر دیگر که فرزند داشتند، اظهار کردند که قبل از تولد اولین فرزند از وسایل پیشگیری استفاده کرده‌اند. اطلاعات آنها در مورد انواع روش‌های پیشگیری مناسب بود و حداقل سه و چهار روش را می‌شناختند. بسیاری از آنها کاندوم و

روش طبیعی و دوره‌ی مطمئن را به کار بسته بودند. گسترش استفاده از وسایل پیشگیری، فراهم بودن زمینه‌ی آشنایی با روشهای پیشگیری و همچنین دسترسی به وسایل پیشگیری موثر در جامعه، نقش مؤثری در تنظیم باروری و زمانبندی موالید دارد. در مطالعه حاضر، مشخص شد که بسیاری از زنانی که قبل از تولد اولین فرزند از وسایل پیشگیری استفاده کرده‌اند، در کلاسهای مشاوره ازدواج که توسط مراکز بهداشت برقرار می‌شود، شرکت کرده و از نظر آنها این کلاسها به شناخت و به کارگیری این وسایل و توانمندی در برنامه ریزی برای زمان تولد اولین فرزند کمک کرده است.

با این حال در مورد رفتار پیشگیرانه و فاصله بین ازدواج تا تولد اول، بین زنان در سنین مختلف تفاوت وجود دارد. برعکس کوهورت‌های جوان، زنانی که در اواخر دهه‌ی ۳۰ سالگی و در دهه‌ی ۴۰ سالگی خود بودند از همان ابتدای ازدواج برای حاملگی تلاش کرده بودند. به عبارتی آنها از هیچ وسیله‌ی پیشگیری استفاده نکرده بودند. بسیاری از این زنان، نه تنها خود فاصله‌گذاری بین ازدواج و تولد اولین فرزند را نپذیرفته و به طور انتخابی فاصله‌ای ایجاد نکرده بودند، بلکه رفتار زنان جوان در مورد تنظیمات باروری را نکوهش می‌کردند. از نظر آنها نباید قبل از بچه‌دار شدن از وسایل پیشگیری استفاده کرد و بهتر است بعد از به دنیا آوردن یک و یا دو بچه جلوگیری کنند. یکی از پاسخ‌گویان در این باره می‌گوید:

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

«من اصلاً فکر پیشگیری را هم نداشتم. هم خودم و هم اطرافیان منتظر حاملگی بودیم و حتی یادم هست با اینکه پیشگیری نداشتم، ۴ ماه طول کشید تا حامله بشم در این مدت همه به خصوص مادرم و مادر همسرم خیلی نگران بودند» (۳۷ ساله، فوق دیپلم، دارای ۲ فرزند، معلم).

متوسط فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در نمونه حاضر ۳/۸ سال است. نکته مشترکی که بین اکثریت زنان وجود داشت این بود که اگر چه تاخیر در تولد اولین فرزند در کوهورتهای جوان عمومیت یافته، هیچ کدام از زنان در نمونه حاضر بی‌فرزندگی را گزینه مناسبی ندانسته و برعکس داشتن دو فرزند را مطلوب می‌دانستند.

۲-۴- محدودیت منابع مالی

ارزیابی مالی و بحث استقلال مالی، از جمله دلایلی است که در میان زوجین جوان به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی برای پدر و مادر شدن، مطرح است. تعداد زیادی از زنان جوان، زمانی ازدواج کرده بودند که همسران آنها در ابتدای دوره‌ی اشتغال خود بودند. برخی در سال‌های آخر تحصیل بودند و فقط تعداد کمی از آنها به لحاظ مالی در شروع ازدواج شرایط مناسبی داشتند. به نظر بسیاری از پاسخ‌گویان (حدود ۱۵ نفر) نداشتن منابع مالی کافی در واقع یکی از توجیه‌پذیرترین دلایلی است که منجر به تاخیر در پدر و مادری می‌شود. از جمله منابع مالی که بسیاری از آنها اشاره می‌کردند، مسکن مستقل است. بیشتر پاسخ‌گویان در ابتدای ازدواج با مشکل مسکن درگیر بودند و این مسئله، باعث شده بود برخی از آنها برای مدتی با خانواده‌های خود زندگی کنند. از این رو سعی کرده بودند با اتخاذ این

روش (فاصله‌گذاری بین ازدواج و اولین تولد) برخی از مشکلات مالی را مرتفع سازند. برای نمونه پاسخ‌گویی که چهار سال از ازدواجش می‌گذرد و همسرش در یکی از سازمان‌های دولتی مشغول کار است، نداشتن امکانات مالی را به عنوان عمده‌ترین دلیل فاصله بین ازدواج را اولین تولد ذکر می‌کند. از نظر او در حال حاضر مشکلات مالی بخش عمده‌ای از زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است:

«ما تا حالا منزل مادر شوهرم زندگی می‌کردیم، حالا بعد از پنج سال از ازدواج توانستیم یک خانه بخریم شما فکر می‌کنید ما چقدر قسط داریم ماهی یک میلیون و صد هزار تومان داریم قسط می‌دهیم خوب فکرش را بکنید حالا اگر بچه‌دار هم بشویم اوضاعمان خیلی وخیم می‌شود» (۳۰ ساله فوق لیسانس، شاغل به صورت پاره وقت).

در مطالعه‌ی حاضر، طبق نظرات پاسخ‌گویان، شرایط اقتصادی مردان و داشتن شغل ثابت به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های امنیت اقتصادی خانوار محسوب شده است و وضعیت شغلی همسران، در تصمیم برای پدر و مادر شدن، تأثیر زیادی داشته است. پاسخ‌گوی زیر که دو سال از ازدواجش می‌گذرد و علاقه‌ی زیادی به بچه دارد، از همان ابتدا تصمیم داشتند پس از یک سال از ازدواج صاحب فرزند شوند ولی به دلیل بیکار شدن همسرش نتوانستند تاکنون این تصمیم را عملی کنند.

«ما خیلی بچه دوست داریم، شوهرم چهار تا بچه می‌خواست اما کارخانه بسته شد و شوهرم بیکار شد. ما خیلی استرس داریم و نمی‌توانیم نسبت به آینده خودمان مطمئن باشیم چه برسد یک بچه که نیازهای زیادی دارد» (۳۰ ساله، لیسانس، خانه‌دار، بدون فرزند).

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

علی‌رغم نقش زیاد وضعیت شغلی مردان، وضعیت شغلی زنان تأثیر چندانی در زمان تولد اولین فرزند نداشته است. زنان چون از میزان‌های بیکاری، ناامنی شغلی و نابرابری‌های شغلی به لحاظ دستمزد اطلاع داشتند، تصمیمات باروری به ویژه زمان ورود به مرحله‌ی پدر و مادری، را کمتر بر اساس وضعیت شغلی و یا برنامه‌ریزی‌های شغلی اتخاذ کرده بودند. البته نوع شغل و بخش شغلی که افراد در آن به کار مشغول هستند در این رابطه تعیین کننده است. در مطالعه حاضر، زنان شاغل در بخش دولتی به مرخصی زایمان همراه با حقوق اشاره کردند و اینکه کمک مالی و حمایت اجتماعی بخش دولتی نه تنها مانع فرزندآوری نشده بلکه باعث شده که آنها بیشتر به سمت مادر شدن تمایل داشته باشند. در این مورد یکی از پاسخگویان بیان می‌دارد:

«خوب خیلی مهم است که کجا کار کنی، تو شرکتی که دوستم هست اگر بچه‌دار بشی باز هم باید سرکار بیای بخواهی مرخصی بری باید با کار خداحافظی کنی، اما تو سازمان‌های دولتی زایمان کنی خیالت راحت است تا شش ماه مرخصی هستی بعد هم اگر یک مهد نزدیک محل کارت باشه می‌توانی پاس‌بگیری به بچه شیر بدهی خب خیلی کمک بزرگی می‌شود» (زن ۲۹ ساله، کارمند، یک فرزند).

بر اساس یافته‌های این مطالعه مرخصی زایمان و ایجاد کاری، می‌تواند نقش مهمی در تسهیل فرزندآوری داشته باشد.

۳-۴- ناسازگاری تحصیل و فرزندآوری

تقریباً تمام کسانی که به طور خواسته بدون فرزند بودند در حال تحصیل بودند. افرادی که دانشجو بودند تأخیر بیشتری در تولد اولین فرزند ایجاد

کرده بودند. دانشجویان به دلیل منابع مالی کمتر و وقت کمتر برای نگهداری از فرزند، تمایل کمتری در به عهده گرفتن وظایف بیشتر دارند. دلیل عمده‌ی زنانی که با فاصله‌ی بیشتر از سه سال نیز فرزند اول خود را به دنیا آورده بودند، تحصیل در مقاطع عالی دانشگاهی بود و این گروه در سال‌های پایانی تحصیل و یا بعد از اتمام تحصیل، تصمیم خود را محقق ساختند. برای بسیاری از این افراد یکی از دلایل عمده‌ی ایجاد فاصله، تحصیلات بوده است. آنها به ناسازگاری تحصیل و فرزندآوری و انجام هم‌زمان نقش دانشجویی و مادری اشاره می‌کنند. افرادی که در حال حاضر دانشجو بودند به مشکلات خود برای تحصیل اشاره می‌کردند؛ به نظر بسیاری از آنها ازدواج باعث افت تحصیلی می‌شود و دانشجویان متأهل نمی‌توانند با طیب خاطر تحصیل کنند. آنها به دوستان مجرد خود که زمان بیشتری برای مطالعه و تحقیق دارند، اشاره کردند. به نظر آنها افراد متأهل وارد روابط خانوادگی می‌شوند که باعث می‌شود پیشرفت تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. به نظر آنها داشتن فرزند در حین تحصیل به مراتب شرایط سخت‌تری را ایجاد می‌کند. آنها استرس و اضطراب، ناتوانی برای برنامه‌ریزی مناسب درسی و ناتوانی برای ایفای مناسب هر دو نقش مادری و دانشجویی را از مشکلاتی می‌دانستند که به حتم مادران دانشجو با آنها روبه‌رو هستند.

اگر چه بسیاری از زنانی که تحصیلات عالی داشته و سال‌های زیادی از زندگی خود را به تحصیل مشغول بوده‌اند، انتظار دارند هزینه‌های مالی و فرصتی که طی این سال‌ها برای تحصیل صرف کرده‌اند را از طریق اشتغال

به دست آورند، لیکن بسیاری از آنها بعد از اتمام تحصیل بلافاصله تولد اولین فرزند را تجربه می‌کنند. مبتنی بر نتایج مصاحبه با زنان، فاصله‌ی کوتاه میان ازدواج و اولین تولد در میان زنان با تحصیلات بالاتر ممکن است همان‌گونه که کانتروا و هانک اشاره می‌کنند با تأثیر جبران^۱ پیوند داشته باشد (Kantorova, 2004: 182; Hank, 2002: 294). زنان با تحصیلات عالی اظهار می‌داشتند که چون سیستم آموزشی را دیرتر ترک کرده و از هنجار سن مناسب و مطلوب مادری فاصله گرفتند، به همین دلیل پس از اتمام تحصیل این نقش را به سرعت ایفا می‌کنند. پاسخ‌گوی زیر که زنی ۳۴ ساله می‌باشد و در زمان دانشجویی به مرحله‌ی مادری رسیده می‌گوید:

«من زمان زیادی را صرف تحصیل و تحقیق کردم و در سن بالا هم ازدواج کردم، اگر منتظر می‌شدم تا درسم تمام شود بعد بچه‌دار می‌شدم خیلی دیر می‌شد برای همین امتحان جامع را که دادم و درس‌هایم کمی سبک شد جشن عروسی را گرفتم و بلافاصله هم تصمیم گرفتم بچه‌دار شوم می‌ترسیدم خیلی دیر بشود و بعد پشیمان شوم» (۳۴ ساله کارشناسی ارشد، دارای یک فرزند دو ساله).

در مجموع می‌توان گفت تحصیلات، تأخیری تأخیری در تشکیل خانواده دارد. برای برخی از افراد تأخیر در ازدواج و برای تعداد بیشتری تأخیر در تولد اولین فرزند را باعث شده است. تعداد معدودی از افراد ازدواج را به زمانی که تحصیلات آنها به اتمام برسد به تعویق انداخته‌اند. این افراد فاصله‌ی کمتری بین ازدواج و اولین تولد را تجربه کرده‌اند.

1. Catch-up effect

۴-۴- هنجارهای اجتماعی مرتبط با سن مناسب ازدواج

بسیاری از پاسخ‌گویان به هنجار مرتبط با ازدواج و سن مناسب ازدواج، اشاره کردند. زنانی که تأخیر در تولد اولین فرزند را تجربه کرده‌اند، در واقع تأخیر در ازدواج را راه حل مناسبی برای زنان در جامعه‌ی ایران نمی‌دانستند و از نظر آنها جامعه، ازدواج تأخیری را نمی‌پذیرد و حتی ممکن است خود افراد نیز گزینه‌های مناسب برای ازدواج را از دست بدهند. لیکن آنها بهتر می‌توانند برای اتمام و یا تکمیل تحصیلات دانشگاهی، فرزندآوری را تا مدت کوتاهی به تأخیر بیندازند و موافقت خانواده، اطرافیان و در نهایت جامعه را با تصمیم خود برای تأخیر کوتاه مدت در پدر و مادری فراهم آورند. نتایج این مطالعه مشابه با نتایج مطالعه‌ی عباسی شوازی و همکاران (2009b) است و فرضیه‌ی «ازدواج ایرانی- اسلامی» را که بر تشویق به ازدواج نسبتاً زود و دسترسی زنان به آموزش و کنترل موالید تأکید می‌کند، حمایت می‌کند. البته در بسیاری از موارد زنانی که ازدواج نسبتاً زودرسی داشتند، علی‌رغم اینکه تصمیم برای فاصله طولانی‌تری داشتند، با این حال در فاصله‌ی کمتر از چهار سال باردار شده بودند.

هر چند که برخی مطالعات نظیر ریندفوس و همکاران (۱۹۸۳) نشان داده‌اند که در ازدواج‌های جدید و عاشقانه فاصله‌ی تولد اولین فرزند کاهش یافته است، لیکن نتایج این مطالعه مشابه با مطالعه‌ی عباسی شوازی و همکاران (2009b) نشان داد که زنان در ایران قبل از تولد اولین فرزند، به استفاده از وسایل پیشگیری مبادرت می‌کنند و فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

و به کارگیری وسایل پیشگیری پدیده‌ای است که در میان بیشتر زنان در طول دوره ۲۰ سالگی مشاهده شد (Rindfuss, 1983: 259-278).

«ازدواج دست خودمان نیست خانواده خیلی بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. بعد هم انگیزه و اشتیاق خیلی از دختر و پسرها برای ازدواج بیشتر از پدر و مادر شدن است. به هر حال تمایل خودمان و تأکید خانواده باعث شده که زود ازدواج کنم اما برای بچه‌دار شدن با اینکه خانواده‌ها خیلی بازگو می‌کنند اما نمی‌توانستند مجبور کنند. البته من می‌خواستم شش هفت سال بچه‌دار نشوم اما اختیار و مقاومت‌مان در برابر بقیه تا چهار سال بود» (۲۶ ساله، لیسانس، کارمند، دارای یک فرزند دو ساله).

این پاسخ‌گو در ادامه توضیح می‌دهد در عین حال که از داشتن بچه خیلی رضایت دارند، اما در حال حاضر شرایط بسیار سختی را می‌گذرانند و در نگهداری از فرزند و هماهنگی کارهای داخل خانه با مشکلات عیدیه‌ای روبه‌رو گشته است و شرایط خود را با عنوان «راحتی در عین ناراحتی» تعریف می‌کند.

تأثیری که سن ازدواج زنان روی اولین تولد داشته است، نتایج مطالعه پیشین (رازقی نصرآباد و همکاران ۱۳۸۹) را تأیید می‌کند. افرادی که در سنین پایین ازدواج کرده، فاصله‌ی بیشتری را در اولین تولد ایجاد کرده و برعکس کسانی که در سن بالا ازدواج نمودند، در فاصله‌ی کوتاه‌تری به تولد اولین فرزند رسیده بودند. پاسخ‌گویانی که در سنین بالا ازدواج کرده بودند به تأثیر جبران که قبلاً نیز اشاره شد، توجه داشتند و تصمیم داشتند با کاهش فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد تأثیر افزایش سن روی قابلیت باروری و

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

احتمالاً بارداری‌های خطرناک را کاهش دهند.

۴-۵- اطمینان از پایداری ازدواج

در این مطالعه یکی دیگر از عواملی که فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد را تحت تأثیر قرار داده، بحث روابط زوجین و ثبات خانواده است. طبق یافته‌های مطالعه به نظر می‌رسد در حال حاضر، ورود زنان به مرحله‌ی مادری هم به سایر وقایعی که در جریان زندگی افراد رخ داده و هم به ارزیابی آنها از شرایط زندگی بستگی دارد. بسیاری از زنان زیر ۳۰ سال، دستیابی به شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر و تثبیت رابطه‌ی عاطفی و حل برخی مسائلی که ممکن است با تولد بچه پنهان بمانند را از شرایط لازم برای رسیدن به مرحله‌ی پدر و مادری می‌دانستند.

«خواهر من بعد از هفت سال از ازدواجش با داشتن دو تا بچه از شوهرش طلاق گرفت. شما دور و برتان را نگاه کنید خیلی‌ها فکر می‌کنند ازدواجشان درست نبوده همه اولش با هم خوبند اما مدتی که می‌گذرد، خبری از عشق و عاشقی نیست منم منم شروع میشه اختلافات زیاد می‌شود به قول قدیمی‌ها ازدواج مثل یک هندوانه در بسته است آدم نمی‌داند با این آقایی که ازدواج کرده چند سال می‌تواند زندگی کند آیا همدیگر را تحمل می‌کنند؟ بچه‌ها چه گناهی دارند که تاوان اشتباهات ما را بدهند» (زن ۲۲ ساله دانشجوی، بدون فرزند).

زوجین جوان با آگاهی از افزایش میزان‌های طلاق در جامعه سعی می‌کنند، با اتخاذ استراتژی تأخیر در پدر و مادری ثبات ازدواج را آزمون کنند. اگر چه بچه‌ها منبع ثبات در خانواده‌اند، لیکن بچه‌ها برای پدر و مادر

خیلی مهم هستند و سعی می‌کنند قبل از تولد در مورد ثبات ازدواج خود به اطمینان نسبی برسند. در این مطالعه بسیاری از زنان جوان فرزندآوری را وسیله‌ای برای تثبیت ازدواج نمی‌پنداشتند و نمی‌خواستند برای تحکیم رابطه‌ی عاطفی به تولد اولین فرزند برسند. برعکس تصمیم داشتند زمانی که از نظر عاطفی، اجتماعی و خانوادگی برخی چالش‌ها حل شد و یا کاهش یافت به مرحله‌ی پدر و مادری برسند. به طور کلی آنها تولد فرزند را به زمانی موکول کرده‌اند که هم بخشی از برنامه‌های خود مانند تثبیت شغل همسر و اتمام تحصیل را تحقق بخشند و هم پس از کسب اطمینان از ثبات ازدواج و ژرفا بخشیدن به رابطه‌ی عاطفی، آگاهانه وارد مرحله‌ی جدیدی از زندگی شوند. این نگرش در میان تمام زنانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند وجود داشت.

۴-۶- مادری ایده‌آل

کسانی که در حال حاضر بدون فرزند بودند و یا تأخیر را قبل از تولد اولین فرزند تجربه کرده بودند، تغییر در زمان وقوع این پدیده را وسیله‌ای برای رسیدن به مادری ایده‌آل خود می‌دانستند. در این مطالعه، زنان جوان مطمئن بودند که اگر بتوانند برخی نیازهای فردی خود، حداقل تحصیلات را تأمین کنند بهتر می‌توانند یک خانواده‌ی ایده‌آل را تشکیل دهند و یقین داشتند که می‌توانند یک محیط خانواده امن داشته باشند که درون آن به آرامش بیشتر برسند، نه اینکه ازدواج و مادر شدن را مانعی برای رسیدن به آرزوهای خود بدانند. از نظر آنها تا حدودی ازدواج و به مقدار خیلی

زیاد داشتن بچه، جلوی پیشرفت زنان را می‌گیرد. این نگرش نسبت به محدودکنندگی بچه، در میان تمام زنان به عنوان واقعیت مسلم پذیرفته شده بود. بسیاری از آنها قبل از ازدواج به مادر شدن فکر کرده بودند و خود را به عنوان مادر نمونه و مادر ایده‌آل تصور کرده بودند، مادری که بتواند فرزندان خوبی تربیت کند و الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشد. به همین دلیل بسیاری از زنان در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی قبل از ازدواج و یا قبل از تولد اولین فرزند، به تحصیل پرداخته بودند. برخی نیز بعد از تولد اولین فرزند به تکمیل تحصیلات خود مبادرت کرده بودند.

این نگرش به تحصیل برای داشتن ازدواج مناسب و تربیت فرزندان و همچنین تاثیر مثبت در جایگاه اجتماعی فرزندان باعث شده بود که آنها در جهت ارتقا سطح تحصیلی و اجتماعی خود در زمان تولد اولین فرزند تغییراتی ایجاد کنند. برای نمونه یکی از پاسخ‌گویان در این باره می‌گوید:

«زن باید هم در خانه و هم در اجتماع حضور داشته باشد، مردها هم همین طورند آنها هم باید در امور خانه مشارکت کنند همه زنها اگر خدمتی از آنها بر می‌آید نباید دریغ کنند، کنج خانه نشستن و خانه‌نشینی زنها را به حاشیه می‌برد حتی اگر می‌خواهند مادر خوبی باشند باید بیایند بیرون از منزل، درس بخوانند، کار کنند تا زندگی خوب و فرزندان موفق داشته باشند. شاید نمی‌دانم شاید، این را مردها نخواهند ولی زنها خودشان باید تلاش کنند سایر نهادها هم کمک کنند و فقط از زنها نخواهند که کار خانه انجام دهند، بچه بیاورند و به تربیت فرزند مشغول باشند» (زن ۳۱ ساله کارشناسی ارشد مدیریت، شاغل).

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

زنانی که فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد را تجربه کرده بودند، تصمیم تأخیر را آسان‌تر از تصمیم برای فرزندآوری سریع ارزیابی می‌کردند. چرا که فاصله کمک می‌کند که زمانی نقش مادری و تأمین نیازهای فرد دیگر را به عهده بگیرند، که تا حدودی دغدغه‌های فردی آنها کاهش یافته باشد. این افراد که نگرش متفاوتی به فرزندآوری و مادری دارند، سعی در افزایش دانش و اطلاعات خود در مورد روش‌های کنترل باروری دارند، بنابراین زمان و تعداد موالید را در حال حاضر با به کارگیری وسایل پیشگیری از بارداری موقت تنظیم نموده و سعی می‌کنند با کمی تأخیر این «وظیفه» و این «احساس مادری» را به زمانی موکول کنند که برخی از دغدغه‌های فردی و اجتماعی آنها کاهش و یا کنترل شود. سپس پا به مرحله‌ی مهم و ارزشمند مادری بنهند و آن را به بهترین شکل ممکن ادا کنند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در فرهنگ ایرانی تشکیل خانواده و فرزندآوری به عنوان یک هنجار و ارزش محسوب می‌شود و بسیاری از افراد به لحاظ فردی و اجتماعی، تمایل زیادی برای پدر و مادر شدن دارند. اگر چه ارزش فرزندان زیاد در طول زمان تغییر کرده است، با این حال فرزندان در جامعه‌ی ما همچنان ارزشمند تلقی می‌شوند. تمایل و نگرش مثبت به سمت پدر و مادری در جامعه‌ی ایران در تحقیقات بسیاری دیده شده است (عباسی شوازی ۱۳۸۴: ۹۲، رازقی نصرآباد و سرایی ۱۳۹۳). علی‌رغم اهمیت تشکیل خانواده و فرزندآوری در جامعه‌ی ایرانی، طی سه دهه‌ی اخیر تغییرات اقتصادی - اجتماعی و

جمعیتی زیادی در ایران رخ داده است که این تغییرات اجتماعی کلان به همراه دسترسی بیشتر زنان به آموزش، افزایش میانگین سن ازدواج و افزایش استفاده از وسایل پیشگیری تاثیرات زیادی روی زندگی افراد از جمله زمان اولین تولد فراهم کرده است. هدف از این مقاله بررسی فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند بود. در این مطالعه تلاش شد دیدگاه زنان در مورد فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند و عوامل مؤثر در زمان ورود به مرحله‌ی مادری تحلیل و واکاوی گردد. داده‌های این مطالعه با رویکرد کیفی و به کارگیری مصاحبه‌ی عمیق با ۳۰ زن ۴۹-۲۰ ساله همسر دار جمع‌آوری شد.

در نمونه‌ی حاضر، زنان فرزند اول خود را به فاصله‌ای نزدیک به چهار سال پس از ازدواج به دنیا آورده‌اند. بر اساس یافته‌های مطالعه، تأخیر در تولد اولین فرزند، دلالت‌های اقتصادی - اجتماعی متعددی دارد. به نظر بسیاری از پاسخ‌گویان در این مطالعه، نداشتن منابع مالی کافی در واقع یکی از توجیه‌پذیرترین دلایلی است که منجر به تأخیر در پدر و مادری می‌شود. مانند بسیاری از مطالعات که شرایط اقتصادی مردان را در زمان ورود به مرحله پدر و مادری مؤثر می‌دانند (Nomaguchi, 2003: 49)، در مطالعه‌ی حاضر نیز داشتن شغل ثابت مردان و مسکن مستقل از تعیین‌کننده‌های مهم امنیت اقتصادی خانوار است و تأثیر زیادی در تصمیم‌گیری در مورد زمان شروع فرزندآوری دارد.

یافته‌های مطالعه نشان داد که ناسازگاری تحصیل و فرزندآوری از جمله عواملی است که نقش تعیین‌کننده‌ای بر تأخیر تولد اولین فرزند دارد. عباسی

شوازی و همکاران (۲۰۰۹b) رابطه‌ی تحصیلات و زمان ورود به اولین تولد را در ارتباط با الگوی ازدواج ایرانی - اسلامی مطرح کرده‌اند. بر اساس این الگو در ایران در سال‌های اخیر از سوی جامعه و خانواده بر تحصیلات زنان تأکید زیادی می‌شود، از طرف دیگر با توجه به اینکه تأخیر ازدواج از لحاظ فرهنگی و اجتماعی پذیرفته نیست، بنابراین زنان ازدواج می‌کنند لیکن برای ادامه‌ی تحصیل، فرزندآوری خود را به تأخیر می‌اندازند. این یافته در مصاحبه با زنان نیز کاملاً تایید شد و بسیاری از کسانی که به دلیل تحصیلات در سن بالاتری به تولد اول رسیده بودند، اظهار داشتند که آنها به منظور ادامه‌ی تحصیل نمی‌توانستند ازدواج خود را به تأخیر اندازند. پس از ازدواج نیز به دلیل اینکه نمی‌توانستند دو نقش دانشجویی و مادری را هم‌زمان انجام دهند فرزندآوری خود را به بعد و یا حداقل پایان سال‌های تحصیلی موکول کردند. اگر چه انتظار بر این است که زنان شاغل فرزند اول خود را با تأخیر به دنیا بیاورند، اما زنان چون از میزان‌های بیکاری، ناامنی شغلی و نابرابری‌های شغلی به لحاظ دستمزد اطلاع داشتند، تصمیمات باروری به ویژه زمان ورود به مرحله‌ی پدر و مادری، را کمتر بر اساس وضعیت شغلی و یا برنامه‌ریزی‌های شغلی اتخاذ کرده بودند.

یافته‌ها نشان داد که یکی دیگر از عواملی که فاصله‌ی ازدواج تا تولد اولین فرزند را تحت تأثیر قرار داده، بحث روابط زوجین و ثبات خانواده است. بسیاری از زنان زیر ۳۰ سال، دستیابی به شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر و تثبیت رابطه‌ی عاطفی را از شرایط لازم برای رسیدن به مرحله‌ی پدر و

مادری می‌دانستند. در واقع چنانچه افراد محیط خانواده‌ای که ایجاد کرده‌اند، را محیط مناسبی برای فرزندآوری ارزیابی کردند، تصمیم برای فرزندآوری را عملی کرده‌اند؛ چرا که این واقعه را بخشی از استراتژی تشکیل خانواده‌ی خود می‌دانستند.

مقایسه‌ی دیدگاه و نگرش زنان جوان با زنانی که در اواخر دوره‌ی باروری بودند، نشان می‌دهد که در حال حاضر تشکیل خانواده ممکن است در یک مجموعه‌ای از گزینه‌ها احاطه شده باشد و زوجین جوان در جست‌وجوی استراتژی هستند که بین اهداف زندگی خانوادگی و اهداف در سایر حوزه‌ها تعادل بخشند. علی‌رغم اینکه تمایل برای پدر و مادر شدن، انگیزه‌ای است که در جامعه‌ی ایران عمومیت دارد، با این حال امروزه زوج‌های جوان، برای رسیدن به این هدف با شتاب وارد مرحله‌ی پدر و مادری نمی‌شوند. در حال حاضر زنان به وسایل پیشگیری و تکنولوژی‌های باروری زیادی دسترسی دارند که آنها را قادر ساخته تا کنترل بیشتری روی حیات باروری خود داشته باشند و تصمیم بگیرند در چه بستری و چه زمانی بچه داشته باشند. در واقع تمایل دارند با تأخیر در تولد اولین فرزند این هماهنگی را ایجاد کنند.

یافته‌های مطالعه نشان داد تأخیر در تولد اولین فرزند در میان زنان جوان بیشتر معمول است و فرزندآوری تأخیری به عنوان هنجاری جدید در بین زنان ازدواج کرده در کوهورت‌های اخیر نمود یافته است. با این حال اکثریت زنان، بی‌فرزندگی را گزینه مناسبی ندانسته، بسیاری از آنها نیاز عاطفی به فرزند، تکمیل بعد خانواده و هنجار جامعه را از دلایل اصلی تمایل به

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

فرزندآوری می‌دانستند و از نظر آنها داشتن دو فرزند برای تامین این هدف کافی است.

از مجموع مباحثی که تاکنون مطرح شده استنباط می‌شود که در حال حاضر انتقال به پدر و مادری در واقع یک پاسخ منطقی به موقعیت خاص افرادی که با شرایط جدیدی از بی‌ثباتی در موقعیت اقتصادی، چشم‌انداز نامعلوم بازار کار و تغییرات اقتصادی- اجتماعی سریع روبه‌رو هستند، می‌باشد. در واکنش به این شرایط، افراد ترجیح می‌دهند زمان بیشتری را روی تحصیلات، سرمایه‌ی انسانی و تجربه‌ی کاری سرمایه‌گذاری کنند. در مسیر رسیدن به این هدف افراد تصمیم می‌گیرند ازدواج و یا فرزندآوری خود را به تأخیر اندازند. کنش زنان در این مطالعه نوعی کنش منطقی تفسیر می‌شود که از یک طرف افراد تلاش می‌کنند با ایجاد کمی فاصله برخی از هزینه‌ها را کاهش دهند و از طرف دیگر چون فرزندان برای آنها بسیار ارزشمند و مهم‌اند، سعی می‌کنند قبل از تولد در مورد ثبات ازدواج خود به اطمینان نسبی برسند.

سؤال مطرح این است که در آینده فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد در ایران چگونه خواهد بود آیا همچنان به افزایش ادامه می‌دهد و یا تحت تأثیر قدرت نفوذ هنجارهای اجتماعی افزایش آن متوقف خواهد شد؟ اگر چه این مطالعه کیفی است و بر اساس آن نمی‌توان در مورد آینده‌ی فاصله‌ی ازدواج تا اولین تولد ایران پیش‌بینی کرد، با این حال، همان‌گونه که مورگان اشاره می‌کند، در واقع تأخیر در فرزندآوری بیشتر زمانی برجسته می‌شود که هنجارهای

مربوط به زمان تولد اولین فرزند تغییر یابد و داشتن فرزند اول در سنین بالاتر به لحاظ فرهنگی پذیرفته شود (Morgan, 1991: 800); در ایران، اگر چه تأخیر کوتاهی در تولد اولین فرزند رخ داده است، اما تأخیر به سنین بالای ۳۰ سال پذیرفته نیست و تأخیری که وجود دارد محدود به اوایل و در نهایت اواسط دهه‌ی ۲۰ سالگی است. هنوز هم زنان فرزندآوری را در دهه‌ی بیست شروع می‌کنند و فرزندآوری در این سنین به عنوان هنجار اجتماعی مقبول زنان می‌باشد (رازقی نصرآباد و همکاران زیر چاپ). تصمیم‌گیری و انتخاب، به عنوان یک فرایند در حال تغییر ممکن است در طول زمان و در بستری از وقایع زندگی و درون روابط اجتماعی تغییر کند. با این حال تحقیقات آینده نشان خواهد داد که آیا هنجارهای اجتماعی قدرتشان را بر هنجارهای مربوط به زمان ورود به مرحله‌ی مادری حفظ و تقویت می‌کنند و می‌توانند باروری را به سنین مناسب‌تر جوانی بازگردانند و یا همچنان شروع باروری با تأخیر بیشتری اتفاق می‌افتد.

منابع

- «رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی، محمدجلال عباسی شوازی و فاطمه ترابی (زیر چاپ) دیدگاه تعدادی از زنان در مورد سن مناسب مادر در زمان تولد اولین فرزند» *دوفصلنامه مطالعات زن و خانواده* پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- «رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی و حسن سراپی. «تحلیل کوهورتی ارزش فرزند در استان سمنان» زن در توسعه و سیاست دوره ۱۲ شماره ۱. ص ۲۲۹-۲۵۰. (۱۳۹۳).
- «رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی، محمدجلال عباسی شوازی و محمود قاضی طباطبایی. «تحلیل چند سطحی از عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در ایران ۱۳۷۹-۱۳۷۰»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۴، ش ۵۵، (۱۳۹۱).
- «عباسی شوازی، محمد جلال و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد. «الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در ایران»، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال ۴، ش ۹، (۱۳۸۹).
- «عسکری ندوشن، عباس، محمد جلال عباسی شوازی و رسول صادقی. «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌های و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۱، (۱۳۸۸).
- «عباسی شوازی، محمد جلال، اصغر عسکری خانقاه و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد. «ناباروری و تجربه زیسته زنان نابارور: مطالعه موردی در تهران»، *پژوهش زنان*، دوره ۳، ش ۳، (۱۳۸۴).
- «عباسی شوازی، محمد جلال، حسینی چاووشی، میمنت، مکدونالد، پیتر و بهرام دلاور. «تحولات باروری در ایران شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: وزارت بهداشت درمان

و آموزش پزشکی. (۱۳۸۳).

◀ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی. *سیمای جمعیت و سلامت در جمهوری اسلامی ایران مهرماه ۱۳۷۹*، معاونت سلامت، دفتر سلامت خانواده و جمعیت.

➤ Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. & M. Hosseini Chavoshi. *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer. (2009a).

➤ Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. & M. Hosseini Chavoshi, "Family Change and Continuity in Iran: Birth Control Use before First Pregnancy", *Journal of Marriage Family*. 71(5): 1309-1324, (2009b).

➤ Aghajanian, A. & A. Mehryar. "Fertility transition in the Islamic Republic of Iran: 1967-1996", *Asia-Pacific Population Journal* 14(1): 21-42, (1999).

➤ Billari, F.C., Liefbroer, A.C., and Philipov, D. "The postponement of childbearing in Europe: Driving forces and implications". *Vienna Yearbook of Population Research*, (2006)

➤ Goldstein, J. R. "How Late Can First Births Be Postponed? Some Illustrative Population-level Calculations", *Vienna Yearbook of Population Research*, 153-165. (2006).

➤ Hank, k. "Regional Social Contexts and Individual Fertility Decisions: A Multilevel Analysis of First and Second Births in Western German",

European Journal of Population Vol. 18, No. 3: 281-299, (2002).

➤ Hosseini Chavoshi, M. McDonald, P. & M. J. Abbasi-Shavazi. "The Iranian Fertility Decline, 1981-1999: An Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", *Population* 61(5-6), (2006).

➤ Hosseini -Chavoshi, M. McDonald, P. & M. J. Abbasi-Shavazi "Fertility and Contraceptive Use Dynamics in Iran and its Low Fertility Regions", The Australian National University, *DSRI Working Paper* (1). Canberra, (2007).

➤ Hosseini - Chavoshi, M, Abbasi-Shavazi, M. J., & McDonald, P. "Tempo and Quantum of Fertility in Iran: An Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", Paper presented at XXVII IUSSP International Population Conference, 26-31 August, Busan, Korea,(2013).

➤ Kantorova, V. "Family Life Transition of Young Women in a Changing Society: First Unione Formation and Birth of First Child", A dissertation submitted in satisfaction of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Demography, Charles University in Prague Universite De Parisi – Pantheon – Sorbone, (2004).

➤ Kertzer, D. I. "Qualitative and Quantitative Approaches to Historical Demography", *Population and Development Review* 23(4):839-846, (1997).

➤ Maxwell, J. "Desining a Qualitative Study", In L.Bickman and D.J.

Rog (Eds). Handbook of applied Social Research Methods. Thousand Oas, CA:Sage: 69-100, (1997).

➤ May, T. "Social Research, Issues, Methods and Process", Buckinghamshire: Open University Press, (1993).

➤ Morgan, S.P "Late Nineteenth and Early Twentieth-Century Childlessness", *American Journal of Sociology* 97 (3), 779-807, (1991).

➤ Morgan, S.P. "Is Low Fertility a Twenty-First-Century Demographic Crisis?" *Demography*, Vol. 40, No. 4: 589-603, (2003).

➤ Nomaguchi, Kei. "Determinants of Having a First and Second Child among Japanese Married Women in Recent Cohorts", Dissertation Submitted to the Faculty of the Graduate school of the University of Maryland at college Park in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of Philosophy, (2003)

➤ Osborne, j. "Some Similarities and Differences among Phenomenological and other Methods of Psychological Qualitative Research". *Canadian Journal of Counselling* (24): 79-91(1994).

➤ Rasekh, A. & M. Momtaz. "The Determinants of Birth Interval in Ahvaz-Iran: A Graphical Chain Modelling Approach", *Journal of Data Science* 5, 555-576(2007).

➤ Rindfuss R.R, & S.P. Morgan "Marriage, sex, and the first birth interval: The quiet revolution in Asia", *Population and Development Review* 9, ;

پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران

259–278. (1983).

➤ Rindfuss, R. R, Morgan, S. P. & C. G. Swicegood, *First births in America: Changes in the Timing of Parenthood*, Berkeley: University of California Press. (1988)

➤ Trussell, J., Menkron, J. Early, "Childbearing and Subsequent Fertility". *Fam. Plann. Persp.* 10(4): 209–218, (1978).

➤ Van Manen, M *Practicing Phenomenological Writing*. *Phenomenology Pedagogy.* 2 (1), (1984).

➤ Van Manen, M. "Researching Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy", New York: Suny Press (1990).